

## نمونه آزمون املای تقریری هفتم متوسطه درس هفدهم ما می توانیم

دوستان ما امروز جمع شده ایم تا یاد و خاطره ی « نمی توانیم » را گرامی بداریم . او در این دنیای خاکی با ما زندگی می کر و در زندگی همه ی ما حضور داشت .

متا سفانه هر جا که می رفتیم نام او را می شنیدیم ؛ در مدرسه ، در انجمن شهر ، در ادارات و حتی در میان بزرگان . اینک ما «نمی توانم» را در جایگاه ابدی اش به خاک سپرده ایم . البته یاد او در وجود خواهر و برادر هایش یعنی «می توانم» «خواهم توانست» و «همین حالا شروع خواهم کرد» باقی خواهد ماند .

هنوز کار معلم تمام نشده بود . در پایان مراسم ، معلم شاگردانش را به کلاس بر گرداند . آن ها با شیرینی و آب میو ، مجلس ترحیم «نمی توانم» را بر گزار کردند .

«دونا» روی اعلامیه ی ترحیم نوشت : «نمی توانم . تاریخ فوت ...» و کاغذ را بالای تخته سیاه آویزان کرد تا در تمام طول سال به یاد بچه ها بماند

موفق و پیروز باشید .